

نشریه دانشکده ادبیات تبریز

زمستان سال

۱۳۴۰

بقلم حاج حسین نخجوانی

مواد التواریخ

بعضی از استادان و اعضاء هیئت تحریریه نشریه دانشکده ادبیات از بنده تقاضا فرمودند که در باره کتاب (موادالتواریخ) و معرفی آن شرحی نوشته شود امتثالاً لامرهم ذیلاً بطور خلاصه چند سطری در معرفی کتاب نامبرده نوشته میشود (موادالتواریخ) کتابیست که نگارنده مدت‌های مدید در تألیف آن صرف اوقات نموده‌ام عبارت از یادداشت‌هایی است راجع به ماده تاریخها که در وقایع عالم گفته‌اند از قبیل تاریخ تأسیس سلسله‌های سلاطین و تاریخ جلوس و فوت هر یک از آنان و تاریخ ولادت و وفات ائمه و علما و دانشمندان بزرگ عالم و شعرای معروف و مورخین و مؤلفین مشهور و رجال بزرگ و تاریخ بنای عمارات عالیه و مساجد معتبره و مقامات متبر که و تاریخ جنگها و فتوحات کشور گشایان و تألیفات کتب حوادث و سوانح

روزگار وسایر وقایع مهمه عالم که ازطرف شعرا و دانشمندان هر عصر و زمان نظاماً و نثراً بعنوان ماده تاریخ بحساب جمل یا حساب ابجد گفته اند برشته تحریر در آورده و یادداشت کرده بودم ، اول تصور نمی کردم که این یادداشتها باندازه کتابی باشد یادداشتهایی بود که برای حفظ خودم نگاشته بودم بعداً کم کم آنقدر بر حجم آن افزوده شد که فعلاً در حدود ششصد الی هفتصد صفحه بوده و کتاب بزرگی شده است بعضی از دوستان تشویق میفرمایند که چاپ شود تا کنون این قبیل تواریخ که بعنوان ماده تاریخ بحساب جمل یا حساب ابجد گفته اند بطور تفصیل در سلکی منظم و در کتابی مندرج نشده است کتابی است تاریخی و ادبی که از آثار شعرا و ادباء زمان سابق و لاحق بیادگار مانده و بمنزله تذکره ایست از شعرای ماتقدم و ماتأخر و بهترین مدرک و مأخذ تاریخ وقایع عالم است زیرا که اغلب آنها حین وقوع قضیه گفته شده و تاریخ را باین نحو بهتر و آسانتر میشود حفظ کرد . در نظر است اگر در پیشگاه ادبا و فضلا مقبول و مطبوع واقع شود بحلیه طبع محلی شود و در دسترس عموم و استفاده مردم قرار گیرد چند صفحه در دیباچه کتاب در باره فن ماده تاریخ که از ظرائف فنون شعریه است و شروع استعمال آن از زمان قدیم و روایاتی که راجع بحساب جمل و حساب ابجد نوشته اند ذکر شده و آنچه در باره این فن از کتب تواریخ بدست آمده در دیباچه کتاب نوشته شده و این کتاب بچهارده سفینه منقسم گردیده که در زیر بنظر قارئین محترم میرسد و برای نمونه از هر سفینه چند فقره ماده تاریخ نوشته میشود.

سفینه اول - ماده تاریخهایی که در ولادت بعضی از ائمه و علما و سلاطین و رجال بزرگ و شعرا و عرفا گفته اند تاریخ ولادت و وفات بوعلی سینا را بعضی از فضلا چنین گفته اند :

در (شجع) آمد از عدم بوجود

حجة الحق بوعلی سینا

در (شصا) کسب کرد جماعه علوم در (تکنز) کرد از اینجهان بدرود
۳۹۱ ۴۲۷

تاریخ ولادت جلال الدین محمد دوانی را فاضلی چنین گفته :

تاریخ ظهور آن یگانه شد (قره عین) در زمانه
۸۳۰

تاریخ تولد شاه اسماعیل اول صفوی را بعضی از شعرا (طلوع نیرشاه اسمعیل)
۸۹۲

گفته اند .

تاریخ تولد شاه عباس اول را بعضی از فضلی آن عصر چنین گفته اند :

نونپال چمن پادشهی که بگلزار جهان گشت مقیم
سال مولود وی از کلک قضا چون رقم کرد همی طبع سلیم
ناگهان از پی تاریخش گفت هاتمی (پادشه هفت اقلیم)
۹۷۸

تاریخ تولد ملا محمد باقر مجلسی را بعضی از فضلا (جامع کتاب بحار الانوار)
۱۰۳۷

گفته اند

سفینه دوم - ماده تاریخهایی که در جلوس و ظهور بعضی از سلاطین و زمامداران
بزرگ و تعیین وزرا گفته اند .

تاریخ ظهور دولت عباسیان و خروج سفاح را که در سنه ۱۳۲ هجری واقع
شده کلمه (عبس) را تاریخ یافته اند .
۱۳۲

تاریخ جلوس سلطان محمد خدا بنده را احمد بن محمد تبریزی چنین گفته :

چو گردید تاریخ بر (دال دال) خرد گفت از این به ندیدیم سال
۷۰۴

که سلطان محمد دراو پادشاست که دریا دل و عادل و پارساست
تاریخ جلوس ملک شمس الدین کرت بن غیاث الدین کرت پنجمین سلطان

از ملوک کورت را جمال‌الدین محمد بن حسام گفته :

اضائت لشمس‌الدین کورت زماننا
و اجری فی بحر المرادات فلیکه
و من عجب تاریخ مبداء ملکه
یوافق قول الناس (خلد ملکه)

۷۲۹

تاریخ جلوس و وفات شاه اسماعیل ثانی را میرحیدر معمانی در اینقطعه چنین

گفته است

شهنشاه جم قدر گیتی پناه
پی تاجداری روی زمین
پس آنکه بشاهی زیر زمین
دو تاریخ زبینه میخواست فکر
که میخورد گردون بداتش قسم
برافراشت در دهر سالی علم
بسال دگر در عدم زد قدم
که بر لوح عالم نگارد قلم
(شهنشاه زیر زمین) شد رقم

۹۸۵

۹۸۴

تاریخ جلوس نادرشاه افشار را (الخیر فیما وقع) گفته‌اند: بعضی از شعرا این

جمله را بشر آورده و چنین گفته :

بریدند شاهان زشاهی طمع
بتاریخ (الخیر فیما وقع)

۱۱۴۸

اینجمله در سکه‌های آن پادشاه نیز ضرب شده بود .

سفینه سوم - ماده تاریخی که در جلوس بعضی از سلاطین هندو عثمانی گفته‌اند.

تاریخ جلوس سلطان سلیمان خان قانونی را که دهمین سلطان عثمانی است
امینی از شعرای ایران قصیده‌ای گفته که هر مصراعش تاریخ است مطلع آن اینست:

بداده زمان ملک کمرانی
بکوس عهد و سلیمان ثانی

۹۲۶

۹۲۶

تاریخ جلوس شاه جهان هند را حکیم رکن مسیح در اینقطعه چنین گفته :

پادشاه زمانه شاه جهان
خرم و شاد و کامران باشد

حکم او بر ممالک عالم
همچو حکم خداروان باشد

بهرسال جلوس او گفتم (درجهان باد تاجهان باشد)

۱۰۳۷

تاریخ جلوس نصیرالدین همایون شاه و فوت بابرشاه را شهاب‌الدین احمد معمائی^۱ چنین گفته :

| | |
|-----------------------------|---------------------------|
| دو صد بنده مانند جمشید و کی | سرخسروان شاه بابر که داشت |
| چو طومار عمرش اجل کرد طی | شد آرامگاهش بهشت برین |
| که ملکش زچین باد تاملک ری | محمد همایون بجایش نشست |
| (همایون بود وارث ملک وی) | چو پرسند تاریخش ایدل بگوی |

۹۳۷

تاریخ جلوس سلطان ابراهیم خان بن احمدخان هیجدهمین سلطان عثمانی را شاعری (شه عثمانیان) گفته .

۱۰۲۷

تاریخ جلوس سلطان عبدالحمیدخان ثانی را میرزا حسن خان منشی سفارت ایران متخلص بشوکت در اینقطعه چنین گفته :

| | |
|------------------------------------|-------------------------------|
| سلطان شد وجهانرا ازخرمی جوان کرد | عبدالحمید ثانی باقر آسمانی |
| گفتا (جلوس سلطان عبدالحمیدخان کرد) | تاریخ پادشاهیش کردم طلب زشوکت |

۱۲۹۳

سفینه چهارم - ماده تاریخهایی که در ورود بعضی از سلاطین ومهمانان عالیقدر

به ایران گفته اند تاریخ آمدن همایونشاه پادشاه هند و پادشاه زاده روم بدربار شاه طهماسب اول وملاقات آنها را محتشم کاشانی درقطعه زیر چنین گفته :

دولت چوسر بذروه فتح وظفر کشید
وزرخ گشود حاجب امن وامان نقاب

(۱) شهاب‌الدین احمد معمائی از شعرای ایران در دربار همایونشاه بود حقیری

تخلص میکرد در سنه ۹۴۲ در مراجعت از سفر کجرات در رکاب همایونشاه بود بین راه وفات یافت .

| | |
|----------------------------------|----------------------------------|
| برمسند سرور مکین شاه کامران | دارای آفتاب سریر فلک جناب |
| طهماسب خان شاه جهان شاه سر نشان | پر کاروار نقطه کل نقد بوترا ب |
| از یک طرف همای همایون که کام دهر | جست از رکاب بوسی او گشت کامیاب |
| از جانب دیگر خلف پادشاه روم | از پای بوس او سر خود سود بر سحاب |
| تاریخ این قران طلبیدم ز عقل گفت | (بوسید کامجوی جهان شاه را رکاب) |

۹۵۱

تاریخ آمدن ندر محمدخان از سلاطین ازبک پس از آشفستگی کار خود در ماوراءالنهر و نشستن پسرش عبدالعزیزخان به تخت سلطنت به دربار شاه عباس ثانی ملتجی شده و بایران آمد شاه عباس با تکریم و تعظیم تمام مقدم او را گرامی داشته و امر کرد استقبال شایانی بعمل آید. میرزا مقیم تبریزی در اینخصوص قصیده و ماده تاریخی گفته که چند بیت نوشته میشود:

| | |
|----------------------------|------------------------------|
| شه صاحبقران عباس ثانی | که از وی تخت شاهی یافت تزیین |
| دعایش بر زبان هر که آید | ندا از غیب میآید که آمین |
| بدرگاهش بیامد شاه توران | ز روی اعتقاد و عزّ و تمکین |
| ز بهر مقدم خاقان اعظم | بهشت اصفهانرا بست آیین |
| برای این قران ماه و خورشید | نثار افشاند گردون عقد پروین |
| پی تاریخ استقبال دل گفت | (باستقبال ماه آمد شه دین) |

۱۰۵۶

تاریخ ورود عبدالعزیزخان ازبک به دربار شاه سلیمان صفوی را میرزا محسن تاثیر تبریزی قصیده و ماده تاریخی گفته که چند بیت نوشته میشود.

| | |
|------------------------------------|------------------------------------|
| نوبهار رفته باز از نو بجولان آمدست | گل بشکر خنده و بلبل بافغان آمدست |
| شاه توران خسرو والانسب عبدالعزیز | هم درین عهدش یکی از میهمانان آمدست |
| آن قران سعدر با سعدا کبرهر که دید | گفت عهدشادی و عیش فراوان آمدست |

جستم از تأثیر بهر این قران تاریخ گفت (باز مهمان عزیز یزی سوی ایران آمدست)

۱۰۹۳

تاریخ ملاقات ولیمحمدخان پادشاه تر کستان باشاه عباس اول شعیب جوشقانی
در این قطعه چنین گفته :

| | |
|-------------------------------|--------------------------|
| چوز زگردشهای چرخ منقلب | گشت پیدا در بخارا انقلاب |
| شاه تر کستان ولی خان آنکه هست | زیب بخش مسند افراسیاب |
| رهنمون شد دولت او را تا نهاد | رو بدرگاه شه مالک رقاب |
| شاه عباس قدر قدرت که هست | کامران و کامبخش و کامیاب |
| این قران سعد را تساریخ جو | گشتم از اندیشه قدسی نصاب |
| ساخت روشن شمع الفت راو گفت | (ماه شد مهمان بزم آفتاب) |

۱۰۲۰

ایضاً ملاقات ولیمحمدخان و شاه عباس اول را میرزا صالح برادر زاده اسکندر

بیگ منشی مؤلف عالم آرا چنین گفته :

| | |
|------------------------|-------------------------|
| عباس شه آن سپهر احسان | کز پرتو اوست زیب ایران |
| آمد بدرش زروی اخلاص | بردست گرفته تحفه جان |
| قا آن زمان ولیمحمد | اورنگ نشین ملک توران |
| جستم زخرد چو سال تاریخ | گفت (آمده پادشاه توران) |

۱۰۲۰

سفینه پنجم - ماده تاریخی که در جشنهای عروسی گفته اند .

تاریخ جشن عروسی اسماعیل میرزا (شاه اسماعیل ثانی) را بعضی از شعرای وقت در

دومصرع چنین گفته است :

| | |
|-------------------------------|---------------------------------|
| مصرع (وصلت مهر و ماه داد فلک) | مصرع (فلک داده پیوند شمس و قمر) |
|-------------------------------|---------------------------------|

۹۶۲

۹۶۲

تاریخ جشن عروسی شاه شجاع برادر عالمگیر را که حاکم بنگاله بود کلیم

(۱) مراد از روشن کردن شمع الفت آوردن الف به جمله ماده تاریخ است .

همدانی گفته است :

| | |
|--------------------------------|-------------------------------------|
| روزگار طرب و عشرت جاوید آمد | ای گل از گلشن امید گل عیش بچین |
| بمشام همه بوی گل امید آمد | پیش از آن دم که ز نوروز چمن عید کند |
| عالم افروز تر از کوکبه عید آمد | جشن دامادی سلطان جهان شاه شجاع |
| از پی ساز طرب موبک ناهید آمد | بسر پرده ماه فلک پادشهی |
| (مهد بلقیس بسر منزل جمشید آمد) | بهر تاریخ قران کرد رقم کلک کلیم |

۱۰۴۲

تاریخ جشن عروسی لطفعلی بیگ آذر را صهباى اصفهانی در اینقطعه چنین گفته:

| | |
|-----------------------------|----------------------------|
| مخمل افروز سخن چون انوری | شمع بزم اهل فکر آذر که هست |
| غیرت افزای بتان آذری | آنکه باشد نوعروس طبع او |
| هست بازار سخن را جوهری | از نکو سنجیدن درهای نظم |
| دختری چون زهره در نیک اخترى | آمدش در بر ز دور اختران |
| (زهره) آمد در کنار (مشرى) | کلک صهبا بهر تاریخش نوشت |

۲۱۷ ۵۹۰

۱۱۶۷

تاریخ جشن عروسی اعلیحضرت محمد رضا شاه پهلوی را با خانم فوزیه

ادیب السلطنه سمیعی با تاریخ شمسی و قمری چنین گفته :

| | |
|--------------------------|----------------------------|
| بحرم خانه جمشید آمد | بانوی مصر بعزّ و اقبال |
| بخت بادولت جاوید آمد | با ولیعهد چو فوزیه نشست |
| عید و خوشبختی و امید آمد | روز پیروزی و اقبال رسید |
| یادگار از پی این عید آمد | این دو مصرع بدو تاریخ زغیب |
| (مه بمهمانی خورشید آمد) | (در مقدس حرم شاهنشاه) |

۱۳۵۸ قمری ۱۳۱۸ شمسی

ایضاً تاریخ جشن عروسی اعلیحضرت محمد رضا شاه پهلوی را با خانم ثریا

مسعود خراسانی گفته :

بنهاد چو در کاخ شهی پای ثریا خورشیدز تسدیس نظر داشت به برجیس
 ناهید پی نهضت این سالمه را گفت (در کاخ سلیمان جهان آمده بلقیس)
 ۱۳۲۷ شمسی

سفینه ششم - ماده تاریخهایی که در تسخیر ممالک و فتوحات بلاد از طرف
 جهانگشایان بعضی از شعرا و فضلا گفته اند .

تاریخ کشف امریکا را که در سال ۸۹۷ قمری مطابق ۱۴۹۱ میلادی از طرف
 کریستوف کلمب بعمل آمد معتمدالدوله فرهاد میرزا قاجار گفته :

گشته پیدا ینگى دنیا در جهان از کلمبوس آنحکیم نکته دان
 (ینگى دنیا گشته پیدا) شد زمن ایعجب بر سال تاریخش بدان
 ۸۹۷ قمری

تاریخ فتح بغداد را از طرف معزالدین سلطان اویس ایلکانی سلمان ساوجی

قصیده و ماده تاریخ مفصلی گفته چند بیت نوشته میشود .

باز بگشادند برگیتی در دارالسلام در طواف آرید غلمانرا بکأس می مدام
 ذکر فتح شاه اگر تلقین کند بلبل بیباغ در کلام آید زبان سوسنش مالا کلام
 افسر شاهی معز دین حق سلطان اویس آنکه دارد شکل ملک از جوهر تیغش نظام
 خواند سبحان الذی اسری بعبدہ یک شبی راند تا اقصای شام آنشب براق برق گام
 چون خور از راه خراسان تاخت تا بغداد صبح شرقی و غریبش را بگرفت یکسر تا بشام
 بود سال ذال و سین وزی که سلمان نظم کرد این دعا در ذکر آن فتح همایون والسلام

(دسز)

۷۶۷

تاریخ فتح هرات را از طرف شاهرخ ابن امیر تیمور بعضی از شعرای وقت بطرز

معما چنین گفته :

هری شد ز نو هم چو سبعا شاداد

بعهد شهنشاه بادین و داد

عروس قضا بهر تاریخ گفت سر زلف آورد بر رخ نهاد
سر زلف - ز ۷ بر رخ - ۸۰۰ ۸۰۷ میباشد

تاریخ فتح قسطنطنیه را از طرف سلطان محمد فاتح بعضی از فضلاء وقت چنین گفته اند.

(بلدۀ طیبۀ)

۸۵۷

تاریخ فتح هندوستان را از طرف نادر شاه افشار مشتاق اصفهانی قصیده و
ماده تاریخی بطرز معما گفته که چند بیت نوشته میشود .

| | |
|--|--|
| نادر دوران شه گیتی ستان کاورده است | در کمند حکمش ایزد گردن گردنکشان |
| تاجداری کافر زرین او چون آفتاب | از درخشانی بود آینه پرداز جهان |
| گشت از تیغ جهانگیرش چو فتح قندهار | کرد از آنجا رو به بند آنخسرو گیتی ستان |
| شد چو در هندوستان داخل ز ایران و رسید | ناله زانکشور ز بیم تیغ او بر آسمان |
| ز درقم مشتاق تاریخش که (شاهنشاه) در او | گشت چون داخل بر آمد (ناله) از (هندوستان) |
| ۶۶۱ | ۵۷۶ ۸۶ |

از جمله (شاهنشاه هندوستان) - ناله را موضوع کنیم - ۱۱۵۱ باقی میماند که

۱۲۳۷ ۸۶

تاریخ فتح هندوستانست .

سفینه هفتم - ماده تاریخی که در رحلت ائمه هدی سلام الله علیهم و بعضی
از علما گفته اند عمر شریف ومدت بعثت وتوقف حضرت رسول اکرم را در مکه
و مدینه بعضی از فضلا کلمات زیر را گفته اند. عمر نبی (سج) بعثته (کج) بمکه (نا)
مدینه (طج) .

۶۳ ۲۳ ۵۱

۱۲

تاریخ وفات حضرت رسول اکرم و ائمه طاهرین را محمد رحیم خراسانی

در جمله های زیر چنین گفته است در بعضی از آنها یکی دو سال اختلاف هست :

| | |
|---|---|
| وفات حضرت علی «ع» (حیاً و دودا) سال ۴۰ هجری | وفات حضرت رسول اکرم «ص» (هاد) سال ۱۱ هجری |
| شهادت حضرت امام حسین «ع» (هو الحی) سال ۶۰ هجری | وفات حضرت امام حسن «ع» (طاب زکیاً) سال ۵۰ هجری |
| وفات امام محمد باقر «ع» (محمد طیب) سال ۱۱۳ هجری | وفات امام زین العابدین «ع» (طاب الولی) سال ۸۹ هجری |
| وفات امام موسی کاظم «ع» (امام مبین) سال ۱۸۴ هجری | وفات امام جعفر صادق «ع» (نجیب الله حی) سال ۱۴۹ هجری |
| وفات امام محمد تقی «ع» (هو حی عند الله) سال ۲۱۹ هجری | وفات حضرت امام رضا «ع» (له ماوی اعلی) سال ۲۰۳ هجری |
| وفات امام حسن عسکری «ع» (اجود سلام علیه) سال ۲۶۰ هجری | وفات امام علی النقی «ع» (یصلی علیه) سال ۲۵۵ هجری |

ولادت حضرت حجة عجل الله فرجه

(نور)

۲۵۶

تاریخ وفات محمد بن یعقوب کلینی و علی بن بابویه را که هر دو در یکسال وفات کرده اند بعضی از فضلا (یرحمه الله) گفته .

تاریخ وفات شیخ محمد بن احمد بن الجنید ابوعلی الکاتب الاسکافی را
(طوبی للمرحوم) گفته اند .

۳۸۱

تاریخ وفات شیخ مفید علیه الرحمه را بعضی از فضلا (رحم المفید) گفته است .

۴۱۳

سفینه هشتم ماده تاریخهایی که در وفات سلاطین و امرا و وزرا و رجال بزرگ
ناهی و بعضی از حکام گفته اند .

تاریخ وفات سلطان سنجر از سلاطین سلجوقی را بعضی از فضلا چنین گفته است:

جهاندار سنجر که در باغ ملک سرافراز بودی بکردار سرو

چو در مرو می بود آنجا بمرد بجو سال تاریخش از (شاه مرو)

۵۵۲

تاریخ شهادت خواجه رشیدالدین فضل الله وزیر سلطان ابوسعید بهادرخان را
بعضی از فضلا (طاب ثراه) گفته است .

۷۱۸

تاریخ شهادت خواجه شمس الدین محمد صاحب دیوان را مؤلف و صاف در این
قطعه چنین گفته است :

خورشید ملک صاحب دیوان شرق و غرب آنکو زمانه چاکرو گردون مرید شد

در سال خاچو جیم به فاگشت متصل زان پس که دور مدت عمرش مدید شد

وقت نماز دیگر اندر حدود اهر روز دوشنبه چارم شعبان شهید شد

(خجف) ۶۸۳

تاریخ وفات غازان خان را مؤلف و صاف چنین گفته :

خان عادل شاه غازان سابس قانون ملک

ظل حق خورشید دولت خسرو میمون خصال

آنکه رایش مر جهانرا خص بودی بی خلل

و آنکه بیمش مر عدورا مرگ بودی بی قتال

آنکه از او بود با فرو و فروغ و نور و زیب
تخت و افسر تیغ و خنجر گنج و گوهر ملک و مال
روز یکشنبه و قد قیل الاحد یوم البنا
یا الف بگذشته از شوال سال جیم و ذال
(جذ) ۷۰۳

رفت ازین عالم و ان العمر یفنی بعد حین
سوی آن گیتی و ان الدهر حال بعد حال
تاریخ وفات شاه شجاع را بعضی از فضلا چنین گفته است :

شاهی که جهان ملک را کرد وداع
پرسند اگر زسال فوتش تاریخ
بگذشت و بدیگران بشد قطع نزاع
بر گوی جواب (حیف از شاه شجاع)

۷۸۶

سفینه نهم - تاریخهایی که در وفات شعرا و عرفا و خطاطان و هنرمندان گفته اند
تاریخ وفات حکیم قطران تبریزی را نگارنده چنین گفته است :

حیف که قطران حکیم رفت ز دار فنا
ماده تاریخ او (حیف ز قطران) بود

۴۶۵

تاریخ وفات حکیم سوزنی سمرقندی را بعضی از ظرفا چنین گفته (سوزنی فحاش دم)

۵۶۶

تاریخ وفات افضل الدین حکیم خاقانی را (بیمثال) گفته اند قبرش در مقبره الشعرا ی

۵۸۳

تبریز است و تاریخ وفات انوری ابیوردی را (بیمثل) گفته اند تاریخ وفات رشید الدین

۵۸۲

و طوطا میرزا حمید حقیقی نخجوانی چنین گفته :

رشید دین و طوطا آنکه باشد
از آن مشهورتر باشد که گوید
زبان کوتاه در مدح صفاتش
چومن گمنامی از تعریف ذاتش
و گر از طبع او پرسی چو آتش
اگر از شعر او خواهی چو آبست

ورا ملك سخن بودی مسلم
 مطیع او قوافی بانکاتش
 بیاید کرد یاد وی پس از مرگ
 که خدمت کرده در حال حیاتش
 اگر تاریخ فوت او بخواهی
 (رشید دین) بود سال وفاتش

۵۷۸

سفینه دهم - ماده تاریخی که در حوادث و سوانح روزگار و قحطی ها و زلزله ها و امثال آنها گفته اند :

تاریخ سیل عظیمی که در سال ۱۰۴۵ هجری قمری بشهر قم آمد وشهر بکلی خراب وعالیها سافلها گردید ظهیر لاهیجی قصیده و ماده تاریخی گفته که چند بیت نوشته میشود .

| | |
|---------------------------|-----------------------------|
| داد از دست سیل حادثه داد | که ازو شد گل بلا سیراب |
| سیلی از کوه غم فرود آمد | که ازو چشم فتنه شد بیخواب |
| وه چه سیل آسمان سیالی | برده از عمرها چو روز شتاب |
| دیر از سر بدر روی چو خمار | زود از پا در افکنی چو سراب |
| اینجهان درشت ازو هموار | فلك بیحساب ازو بحساب |
| مدرسه غسل ارتماسی کرد | رفت در سجده مسجد ومحراب |
| حرف دیوار سست در همه جا | سخن در شکسته در هر باب |
| کشتی عمر را ز موج بلا | جای امنی نبود جز گرداب |
| شهر قم را که رشک عالم بود | کرد سیلاب همچو نقش بر آب |
| من چگویم چه کرد باقم سیل | قم کتان بود سیل چون مهتاب |
| بر لب نام اگر زنی انگشت | با تو گوید حکایت سیلاب |
| بهر تاریخ فکر می کردم | نزد جمعی زحلقه احباب |
| دوستی آه آتشین زد و گفت | (خاک قم را بباد داد این آب) |

تاریخ زلزلهٔ سختی که در تبریز واقع شد و خرابی زیاد کرد میر بقاء بدخشی
بطرز معما چنین گفته :

| | |
|------------------------------|------------------------------|
| چه پیش آمد زمین و آسمانرا | که بد می بینم اوضاع جهانرا |
| حوادث باهم ازهر گونه جستند | طلسم خاک را در هم شکستند |
| سواد دلنشین ملک تبریز | شدا ز فرط تزلزل وحشت انگیز |
| تزلزل آنچنان شد خانه افکن | که جان بیرون دوید از خانه تن |
| شکستی بسکه ره در خانه ها کرد | نرفتی کعبتین در خانه نرد |
| پی تاریخ آن ناخوش علامت | که افزون شد از آشوب قیامت |
| زبان طوطی کلکم قلم کرد | (غمی) بر دامن گیتی رقم کرد |

غمی ۱۰۵۰ دامن گیتی ی ۱۰ - ۱۰۶۰ تاریخ زلزله است .

تاریخ زلزلهٔ دیگری که در تبریز و اطراف آن واقع و خرابی زیاد کرد و جماعت
کثیری بهلاکت رسیدند بعضی از شعرای وقت این قطعه را گفته است :

| | |
|---------------------------------|---------------------------------|
| در فکر همین که یابم از روی صواب | باعث چه وهم کی شده تبریز خراب |
| ناگاه زویرانه دل جغد خیال | (از زلزله شد خراب) گفتا بجواب |

۱۱۹۴

در تاریخ ۱۲۰۲ قمری کسوف کلی واقع شد که تمامی جرم آفتاب منکسف و
هوا بقدری تاریک شد که مردم چراغها را روشن کردند ابو محمد طوسی از علماء خراسان
این تاریخ را گفته :

(قد انكسفت الشمس کلها)

۱۲۰۲

تاریخ سیل عظیمی که در سال ۱۲۸۸ به تبریز آمده و خرابی زیاد نمود حاج
مهدی شکوهی تخلص از شعرای تبریز اینقطعه را گفته :

| | |
|---------------------------------|------------------------------------|
| روزی که سیل آمد و تبریز شد خراب | از انهدام گنبد افلاک بیم بود |
| تاریخ او بنامه شکوهی چنین نوشت | (سیلی نبوده وه که بلای عظیم بود) |

۱۲۸۸

سفینه یازدهم - ماده تاریخی که در تألیف کتب و یاطبع آنها گفته اند نظامی

گنجوی تاریخ اتمام لیلی مجنون را در اشعار ذیل بحساب ابجد چنین گفته :

این چار هزار بیت و اکثر
 شد گفته بچار ماه کمتر
 آراسته شد به بهترین حال
 در سلخ رجب به (ث و ف دال)

۵۰۴

شیخ محمود شبستری گلشن راز را در سال ۷۱۷ به اتمام رسانیده و در تاریخ

آن چنین گفته :

گذشته هفت و ده از هفتصد سال
 ز هجرت ناگهان در ماه شوال
 بنام خویش کردم ختم و پایان
 (الهی عاقبت محمود) گردان

۷۱۷

در جمله (الهی عاقبت محمود) ایهامی هست که تاریخ ختم کتاب است .

تاریخ تألیف ظفر نامه تیموری تألیف شرف الدین علی یسزدی را مؤلف آن

چنین گفته (صنف فی شیراز) .

۸۲۸

تاریخ اتمام کتاب مواهب علییه ترجمه قرآن کریم را که از تصنیفات ملاحسین

واعظ کاشفی است مؤلف آن چنین گفته :

با خامه که این نامه اقبال نوشت
 و انجام سخن بایمن القال نوشت
 گفتم مه و روز سال تاریخ نویس
 فی الحال (دوم ز شهر شوال) نوشت

۸۹۹

تاریخ تألیف کتاب دستور الوزراء تألیف غیاث الدین خوندمیر را چنین گفته :

ای گشته بنام نیک درد هر سمر
 این نامه که از نام تو شد نام آور
 از سال تمامیش کسی جست خبر
 گفتم که حروف نام او را بشمر

(دستورالوزرا)

۹۱۵

در تاریخ تألیف و اتمام کتاب ریاض الصنایع در علم عروض الفتی ساوجبی قطعه

و ماده تاریخی گفته که لفظاً و معنأ تاریخ است :

ریاض الصنایع چو اتمام یافت بامداد توفیق پروردگار
طلب کردم از کلک تاریخ آن رقمزد (چل و هشت سال هزار)

۱۰۴۸

سفینه دوازدهم - ماده تاریخی که در بنای امکنه و بقاع وروضات متبر که
و عمارات عالیه و مساجد معتبره و مدارس و دانشگاهها و احداث قنوات و امثال
آنها گفته اند :

تاریخ مسجد جامع هرات را که بامر علیشیر نوائی تعمیر شد در روی کاشیهای
مسجد چنین مسطور است :

مقصوره و طاق جامع شهر بسیار خراب بود از دیر
شد امر زغیب و گشت تاریخ (وفق لبنائنه علیشیر)

۸۹۵

تاریخ بنای مسجد صاحب الامر تبریز که بحکم جعفر قلیخان دنبلی ساخته
شد مونس از شعرای آن عصر چنین گفته است :

جهان عز و شان جعفر قلیخان که حکمش را قضا گردیده منقاد
ز جودش حاتم طائی بناله ز قهرش رستم دستان بفریاد
نه بندد حق برویش در که الحق در طاعت بروی خلق بگشاد
چو آبادان شد این مسجد به تبریز از آن نیکو نهاد نیک بنیاد
رقم زد کلک مونس بهر تاریخ (ز حکم خان بشد این مسجد آباد)

۱۲۰۸

تاریخ بنای خانقاهی که از طرف عبدالعزیز خان بن عبیدالله خان ازبک ساخته
و پرداخته شد خواجه حسن نثاری از شعرای آن عصر قطعه و ماده تاریخ گفته که لفظاً و
معنأ تاریخ است :

خسرو عالی گهر عبدالعزیز ساخت این عالی بنا بی ریب و شک

هست نه طاق فلک در جنب او پست چون گوی زمین زیر فلک
لفظاً و معنأ شود تاریخ او (سال هجرت نهصد و پنجاه و یک)

۹۰۱

تاریخ بنای مدرسه بارفروش که بامر میرزا شفیع وزیر ساخته و پرداخته شد
محمدصادق ناطق اصفهانی قصیده‌ای گفته که تمام مصرعهای آن تاریخ است چند بیت
نوشته میشود قصیده دوازده بیت است :

در عهد پادشاه جم اقبال جم نشان کزوی بلند آمده کاخ و سرای علم

۱۲۱۷

۱۲۱۷

سلطان عهد فتحعلی شاه آن کزو گردید استوار و منزله بنای علم

۱۲۱۷

۱۲۱۷

باداد وی بجاست بعالم ستون دین با عدل وی بپاست بگیتی لوای علم

۱۲۱۷

۱۲۱۷

لطف جهان وزیر زمان میرزا شفیع کزرای وی گرفته بلندی هوای علم

۱۲۱۷

۱۲۱۷

فخر الزمن و حید زمان زبدای جهان کز بهر حرز اوست به دنیا دعای علم

۱۲۱۷

۱۲۱۷

در تاریخ تکمیل تعمیرات مسجد جامع هرات امیر حسین از فضایل آن عصر
این تاریخ را گفته :

شد مکمل اساس این مسجد لن تری فی اساسه نقصاً

کردم از دل سؤال تاریخش گفت (ثانی مسجد الاقصی)

۹۰۰

سفینه سیزدهم — ماده تاریخهایی که در تاریخ عبارات دولتی و حمامها و یلها
و جوضها و کاروانسراها و آب انبارها گفته اند :

در تاریخ ساختمان پل اللهویردی خان در اصفهان میرزا علینقی کمره‌ای این
قطعه را تاریخ گفته :

فلك قدر الله ويردى که قدر ز عباس شاه اندر ایام یافت
 بامداد بیگک ویردی داد گر پللی کرد آغاز و انجام یافت
 بسعی فلك سیرت آقا حسین بخیر العمل حسن اتمام یافت
 بدست زبردست صعب امیر چو بند امیر این بنام نام یافت
 پی سال تاریخ این پل نیافت کسی خوبتر از (پل اتمام یافت)

۱۰۰۵

تاریخ بنای قلعه تبریز را در عهد شاه عباس اول حاتم بیگ اردو بازی چنین گفته :
 قلعه تبریز چون اتمام یافت دیده اعدای دین را میخ شد
 باعث امنیت تبریز گشت (امن شد تبریز) خوش تاریخ شد

۱۰۱۴

تاریخ تعمیر و ساختمان بعضی قسمت های مخروبه پل قزیل اوزن در نزدیک
 قافلانکوه که بامر شاه صفی مرمت گردید شاعری چنین گفته :
 خاقان زمانه شاه دین شاه صفی کایران بود از عدالتش رشک بهشت
 فرمود که بر قزیل اوزن پل بستند میرزا تقی آن بنده اخلاص سرشت
 در عرض دو سال داد اتمام پللی کافلاک به پیش رفعتش عرضه نوشت
 صد سد سکندر اندر آن برد بکار معمار قضا بجای سنگ و گل و خشت
 چون هست عبور خلق از آن کلک خرد تاریخ بناش (معبر خلق) نوشت

۱۰۴۲

تاریخ بنای عمارت چهلستون اصفهان را محمد بیگ فرصت تخلص از شعرای
 زمان شاه عباس ثانی مثنوی مفصل و ماده تاریخی گفته که چند بیت نوشته میشود :

بهر تاریخ این بلند اقبال سر بز انوی فکر داشت خیال
 فرصت کنون سخن تمام کنم این دعا ورد صبح و شام کنم
 زد رقم خامه قرین قیاس (مسکن عیش شاه دین عباس)

۱۰۶۳

تاریخ بنای سد وپل که در مقابل عمارت سعادت آباد اصفهان بامر شاه عباس
ثانی به روی رودخانه زاینده رود بسته شد محمد طاهر نصر آبادی در یک بیت چنین گفته :
(دارای جهان پناه عباس) (دریاچه و سد وپل بنا کرد)
۴۶۶ ۶۰۸

۱۰۷۴

سفینه چهاردهم - ماده تاریخی که در وقایع منفرقه گفته اند تاریخ اتمام
تخت مرصعی که بامر فتحعلی شاه قاجار مطابق تختی که نادر از هند آورده بود ساخته
شد سحاب اصفهانی قصیده و ماده تاریخی گفته که چند بیت از مطلع و مقطع نوشته
میشود :

| | |
|----------------------------|------------------------------|
| بفرمان شاهی کزو زیب دید | نگین جم و تخت افراسیاب |
| شهنشاه قاجار فتحعلی | که فتحش عنان است و نصرت رگاب |
| مرتب شد این گوهر اگین سریر | بالماس رخشان و یاقوت ناب |
| چو بر این سریر مرصع چومهر | نشست آنجهاندار مالک رقاب |
| سحاب از پی سال تاریخ گفت | (بر آمد بروی سپهر آفتاب) |

۱۲۱۶

در تاریخ لغو امتیاز نفت داری در زمان اعلیحضرت رضا شاه فقید حاج محمد
نخجوانی اخوی نگارنده (لغوداری) را تاریخ یافته حقیقی نخجوانی آنرا بشعر آورده :

۱۳۱۱

| | |
|-------------------------|---------------------------|
| هیچ دانید ای وطن خواهان | که چه لطفی خدای با ما کرد |
| باید ایدوستان ازین مژده | ساز عیش و طرب مهیا کرد |
| لغو شد امتیاز نفت جنوب | رای شاه اینچنین تقاضا کرد |
| شاه محبوب ما که حضرت حق | مهر او در قلوب القا کرد |
| آنکه با عزم آهنین برچید | هر بساطی که جور برپا کرد |
| عقده ای بود امتیاز جنوب | دست مشکگل گشای او وا کرد |

پی تاریخ سالش اهل ادب
انجمنها و گفتگوها کرد
(لغودارسی) ز جمله بهتر بود
که بزرگی ز جمع انشا کرد
۱۳۱۱ شمسی

در تاریخ آزادی زنان از چادر و نهضت آنان در زمان رضا شاه فقید آقای یاور
نظمی از شعرای وقت قصیده و ماده تاریخی گفته که چند بیت نوشته میشود :

نشو و نما و تربیت نسل را چو زن
دارد بعده هست در او خوی آفتاب
چون مهد تربیت بود آغوش زن از آن
دارد همواره قوت بازوی آفتاب
با این خصال و لطف نقابی بروی آن
بگرفته همچو ابر سیه روی آفتاب
نیروی زن ضعیف شده آری از حجاب
آنسان که پشت ابری نیروی آفتاب
لطف و اراده شه ملت نواز ما
بزدود نقصی از رخ دلجوی آفتاب
تاریخ این عطیه نمودم طلب که تا
گردد رقم بدفتر نیکوی آفتاب
نظمی نهاد پای ادب در میان و گفت
(ابرسیه زدوده شد از روی آفتاب)

۱۳۱۶ شمسی

در سال ۱۳۳۰ شمسی امتیاز نعت جنوب لغو و ملی شد آقای حبیب یغمائی مدیر
مجله یغما اینقطعه را تاریخ گفته :

مست ایزد را که ملی گشت نعت
دور استعمار و بدبختی برفت
تا یکی از مال قومی ژنده پوش
لرد پوشد جامه زرینه بفت
آهنین بازوی ملت عاقبت
حقوق خود را از کف غاصب گرفت
چونکه از حق خواستم تاریخ آن
بانگ غیبی گفت (ملی گشت نعت)

۱۳۳۰ شمسی

در تاریخ ۱۳۳۵ شمسی مطابق ۱۳۷۶ قمری معدن نعت در قم کشف و چاه شماره
پنج فوران نمود نگارنده سطور ماده تاریخی گفتم که حقیقی نخب جوانی آنرا بشعر آورده :

مخبر فرخنده پی یک خبرم داد دی
 گفت ز اقبال شاه سرزده بیرون ز چاه
 چون ز حقیقی شفت این خبر آندوست گفت
 کز طرف مملک ری یک خبری بس نکوست
 نفت طلای سیاه کان همه را آرزوست
 (نفت بقم کشف شد) ماده تاریخ اوست

۱۳۷۶ قمری